

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### جلسه هشتم

## توحید در جهان‌بینی اسلام

سخن ما این است که آیات توحیدی را در قرآن جدا کنیم. اینجا برای شما ترجمه کنیم و شما خودتان استنباط کنید که توحید از نظر قرآن اولاً یعنی چه؟ ثانیاً به معنای چه تعهدی و چه عملی در زندگی است؛ و البته فراموش نکرید و نکنید، بحث‌های قبلی را که گفتیم باید ایمان به هر فکری و به هر اصلی از افکار اصول دینی، اولاً، آگاهانه باشد؛ از روی فهم و شعور و آگاهی باشد؛ نه کورکورانه. ثانیاً ایمان همراه باشد با تعهد. آنچه که ما باید به او ایمان پیدا بکنیم، حتماً آن چیزی است که در زندگی ما، در عمل ما، چه عمل فردی و چه عمل اجتماعی، چه مربوط به شخص خود، چه مربوط به جامعه خود، چه مربوط به بشریت و چه مربوط به آینده تاریخ، حتماً یک تعهدی را بر دوش ما می‌گذارد.

با این مقدمه وقتی ما وارد بحث توحید می‌شویم؛ قهراً این بحث برای ما یک بحث تعهد آور است و توحید را ما آنچنانی بررسی می‌کنیم که اولاً، آگاهانه به توحید برسیم؛ ثانیاً ببینیم تعهداتی که توحید بر دوش ما می‌گذارد، آن‌ها چیست؟

آیا توحید فقط یک فهمیدن بی‌مسئولیت و بی‌تعهد است؟ آیا دانستن یک حقیقتی است بدون آن که این دانستن، بر دوش ما یک تکلیفی را بار کند، یا نه؟ توحید آگاهی و دانستنی است که به دنبال این دانستن، تکلیف‌ها، وظیفه‌ها، مسئولیت‌ها به انسان متوجه می‌شود. اولاً توحید را در جهان‌بینی اسلام مورد نظر قرار داده، مسلم توحید در جهان‌بینی اسلام هست؛ توحید در

جهان بینی اسلام چیست و به چه معناست؟ و آیه قرآن و زبان رسا و گویای قرآن، توحیدی را که در جهان بینی اسلام مطرح است؛ چگونه تشریح می کند؟

اسلام معتقد است که همه این مجموعه‌ای که نامش جهان است؛ از بالا تا پایین، از موجودات ناچیز و حقیر، تا موجودات بزرگ و چشمگیر، از پست‌ترین جاندار یا بی جان تا شریف‌ترین و پر قدرت‌ترین موجودات جاندار و دارای خرد یعنی انسان، همه و همه، همه جای این عالم، بنده، برده، آفریده و وابسته به یک قدرت بسیار عظیم است. ماورای این ظاهری که من و شما می بینیم، ماورای آنچه که عینک تیزبین دانش تجربی می تواند به آن برسد، ماورای همه پدیده‌های قابل حس و قابل لمس، یک حقیقتی هست از همه حقیقت‌ها برتر، والاتر، شریف‌تر، عزیزتر و همه این پدیده‌های عالم ساخته و پرداخته و درست شده دست قدرت اوست. به آن قدرت بالاتر نامی می دهیم، اسمش خداست. اسمش الله است.

آن خدایی که بالاتر از جهان و جهانیان است. آن دست قدرتی که همه موجودات عالم را او می گرداند. او ساخته و او دم به دم آن‌ها را پاینده داشته. این دست قدرتمند که نامش الله است، نامش خداست، به تمام صفات نیک و نیکی آفرین به طور اصیل، به طور ذاتی متصف می باشد. ولی دارای دانش است، دارای قدرت است، دارای حیات است، دارای اراده و تصمیم است و هر آنچه که از این صفات سرچشمه و مایه می گیرد.

زندگی او از کسی گرفته نشده است. دانش او از کسی یا جایی اخذ و کسب نشده است و از این قبیل. او صاحب اختیار عالم است. عالمان چه کسانی هستند؟ ذرات عالم در مقابل او چه هستند؟ آیا ذرات عالم وقتی که ساخته و پرداخته او شدند؛ مثل فرزندی که از مادر جدا می شود، دیگر جدا شدند؟ نه اینطور نیست اصلاً قضیه. این‌ها در هر لحظه برای ماندن و بودن محتاج او هستند و محتاج قدرت او، و اراده او. و همه بندگان اویند.

توحید یعنی جهان دارای یک آفریننده و سازنده و به تعبیری دارای یک روح پاک و لطیف است. جهان پدید آورنده‌ای دارد و همه اجزای این عالم بندگان و بردگان و موجودات تحت اختیار

آن خدا و آن پدیدآورنده محسوب می‌شود. به آیات قرآن مراجعه می‌کنیم؛ می‌بینیم عیناً همین مطلب را در آیات قرآنی پروردگار عالم ذکر کرده است.

**\* بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \***

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» الله، این نامی که معادلی که به صورت تبیین و تشریح برایش نمی‌شود پیدا کرد. کیست الله؟ خداست. خدا کیست؟ آن موجودی است که لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، هیچ معبودی به جز او نیست. اله را معبود معنا کنید. اله یعنی هر آن موجودی که انسان در مقابل او به صورت تقدیس، به صورت تعظیم و تکریم خضوع می‌کند، اختیار خودش را دست او می‌دهد، سر رشته زندگیش را به او می‌سپارد، او را دست باز و مطلق‌العنان در زندگی خود قرار می‌دهد. به این در اصطلاح قرآنی می‌گویند «اله». آن کسانی که هوای نفس را سررشته‌دار زندگی خود می‌کنند «اله» شان هوای نفسشان است.

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» خصوصیات این «الله»، این «اله» یکتا و یگانه چیست؟ خصوصیاتش را مقداری می‌شمرد.

«الْحَيُّ» زنده است؛ همه مرده‌اند. زنده جاودان، زنده اصیل، زنده حقیقی آن کسی است که حیات مال اوست و هدیه و عطیه و موهبت اوست به همه جانداران و آن خداست. «الْحَيُّ» آن زنده، «الْقَيُّومُ» آن پایدار و پاینده. آن کسی که زندگی او دائمی جاودان و همیشگی است.

«لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ»؛ چرت و خواب او را نمی‌رباید. خواب سبک، چه رسد به خواب سنگین، او را از خود نمی‌گیرد. یعنی چه؟ یعنی لحظه‌ای غفلت، لحظه‌ای بی‌توجهی در وجود او و در حیات او راه ندارد.

«لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» از آن اوست هر آنچه در آسمان‌هاست و هر آنچه در زمین است. ملک اوست، بنده اوست.

«مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» کیست که در مقابل او شفاعت کند، وساطت کند، جز به اذن او؟ هیچ قدرت دیگری سراغ نداریم ما که حتی به اندازه قدرت یک شفیع بتواند در مقابل خدا عرض اندام کند.

«يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ» پیش روی آن‌ها هر چه هست و پشت سر آن‌ها، می‌داند. یعنی محیط به تمام زندگی انسان‌هاست و موجودات.

«وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ» احاطه ندارند، گسترده نیست دانششان، به چیزی از دانش پروردگار؛ مگر آنچه خود او بخواهد.

«وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» گسترده است تخت قدرت او آسمان‌ها را و زمین‌ها را.

«وَلَا يَؤُودُهُ حِفْظُهُمَا» نگاهداری آسمان‌ها و زمین بر او گران و دشوار نیست.

«وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» اوست برتر و بلند قدر. اوست بزرگ و پرشکوه.

از این آیات، شما از مجموع چه می‌فهمید؟ که در همه منطقه وجود یک قدرت به نام خداست. یک مرکز قدرت، یک کانون دانش و حیات و نیرو به نام خداست و در طرف مقابل، تمام پدیده‌ها. رو به آن قدرت عظیم و جلیل با حال مسکنت، با حال عبودیت، با حال بندگی، همه و همه، فرقی هم بین پدیده‌های عالم از جهت عبودیت در مقابل آن مرکز قدرت نیست.

پایان

تهیه شده در طرح تبیین منظومه فکری رهبری